



۲۰۲۰/۰۱/۲۷



اکبر بارکزی

سپاه قدس ایران بعد از مرگ قاسم سلیمانی



مرگ قاسم سلیمانی و حوادث متعاقب تا چند روز قبل سرخط اخبار را تشکیل میداد. حوادث مذکور و عکس العمل هایی که به ارتباط آن در افغانستان نشان داده شد ضرورت تعمق بیشتر در مورد سپاه قدس و ارتباط آن با افغانستان را به میان می آورد. این نوشته کوششی است در همین جهت. افغانستان به حیث همسایه فاقد دولت مرکزی قوی طی چهار دهه اخیر، ساحه باز برای توسعه نفوذ ایران در ساحات سیاسی، مذهبی و فرهنگی بوده است. امکانات مالی عرضه شده توسط غربی ها به افغانستان و آزادی های عقیده و بیان مندرج قانون اساسی جدید افغانستان را هم ایران به حد اعظمی در خدمت مداخلات خویش گرفته است. دولت افغانستان به صورت آگاهانه و یا غیر آگاهانه، در برابر مداخلات ایران طی ۱۸ سال گذشته چشم بسته است. بعد از کشته شدن قاسم سلیمانی قوماندان سپاه قدس، برخی از چهره های تنظمی چون عبدالله عبدالله، اسماعیل خان و امثالهم با صدور اعلامیه های همبستگی مکرر از روابط قبلی خویش با سلیمانی و برخورداری از کمک های او پرده برداشتند. عده ای هم چون حکمتیار سکوت کردند اما همه میدانیم که در سال های اقامت اش در ایران مهمان سپاه قدس و قاسم سلیمانی بود. همایون جریر داماد و سخنگوی گلبدین هنوز هم نشانی از آن دوران را با خود حمل نموده و با لهجه ایرانی صحبت می کند. خانواده احمد شاه مسعود بعد از شهادت موصوف توسط سپاه قدس به ایران انتقال یافتند. چه ایران می خواست بالای بازماندگان او سرمایه گذاری کند. به جز احمد پسر مسعود بقیه اعضای خانواده مسعود هنوز هم در ایران اقامت دارند.

با تقرر جنرال اسماعیل قانی در پست او، رسانه ها متوجه شدند که همین آقای قانی چندی قبل سفر رسمی اما تحت نام و نشان جعلی به افغانستان داشت و با همین هویت جعلی با رهبران حکومت دیدار نموده سفری هم به بامیان برای افتتاح یک پروژه داشت.

متأسفانه حکومت افغانستان را مشکلات دوسره بودن حکومت و دسایس و مداخلات پاکستان چنان بخود مصروف ساخته که خطرات فعالیت بلا مانع سپاه قدس در افغانستان را نادیده می گیرد و متقبل مسؤولیت مشکلات احتمالی ای می گردد که در آینده های نه چندان دور از این جهت دامنگیر افغانستان خواهد شد.

قاسم سلیمانی کارش را بعد از انقلاب ایران در ۱۳۵۷ برای سپاه پاسداران (تشکیلات مسلح جنگی و استخباراتی مذهبی تابع قوماندۀ رهبر انقلاب ایران) آغاز کرد. وی در جنگ ایران - عراق سهم فعال داشت و در جریان همین جنگ با برخی افغانهای

مهاجر که برای نجات از بیکاری به نفع ایران در صفوف سپاه پاسداران در این جنگ اشتراک کرده بودند آشنا شده و رابطه برقرار کرد.

یکی از آنها علیرضا توسلی نام داشت که بعد از قوماندها فرقه فاطمیون شد و در ۲۰۱۵ در حین جنگ در سوریه کشته شد. سپاه قدس در جریان جنگ ایران - عراق به حیث نیرو (قوا) پنجم سپاه پاسداران ایران ایجاد شد. سایر نیروهای سپاه عبارتند از نیروهای زمینی، هوایی، بحری و بسیج. وظیفه سپاه قدس پرداختن به مأموریت های مخفی برون مرزی بود. سلیمانی در عراق دوران جنگ مصروف فعالیت های کشفی و نظامی برای سپاه بود. بعد از ختم جنگ ایران و عراق سلیمانی در رأس یک واحد سپاه قدس مؤظف به مبارزه با قاچاق مواد مخدره و اسلحه در دو طرف سرحد ایران با افغانستان شد.

سلیمانی با استعدادی که در مسایل استخباراتی و نظامی داشت، در کار خویش بسیار موفق بود. وی توانست با استفاده از فقدان نظم و قانون ناشی از جنگ های داخلی در افغانستان به اجنت گیری در افغانستان بپردازد.

سابقه روابط تورن اسماعیل خان با او هم احتمالاً به همین دوره برمیگردد، زیرا تقرر سلیمانی در پست قوماندها سپاه قدس بعداً یعنی در اوایل کسب قدرت توسط طالبان در سال ۱۳۷۶ صورت گرفت.

آنزمان افغانستان برای ایران به یک هدف مهم تر مبدل شد زیرا طالبان با مواضع آنوقت شان می توانستند، برعکس سلسبیت سازش طلبانه و ایرانی مآبی های کنونی شان، خطری برای جمهوری اسلامی ایران و اهداف استیلا گرایانه اش در افغانستان باشند.

وابستگی طالبان به پاکستان که رقیب منطقوی ایران است و کشته شدن چندین نظامی سپاه قدس که در لباس دیپلمات در قونسلگری ایران در مزار شریف کار میکردند، ایران را تا سرحد تجمع ۳۰۰۰۰ نظامی در سرحدات با افغانستان خشمگین ساخت. قبل از تصرف شهر مزار توسط طالبان، ایران در شمال کشور نفوذ زیادی داشت و این به اصطلاح "دیپلمات های" ایرانی حکمرانان پشت پرده مزار شریف بوده روابط خاصی با حاجی محمد محقق مسوول حزب وحدت در شمال داشتند اما با دادن اسلحه و پول سایر تنظیم ها را هم راضی نگه میداشتند. در حالات بروز اختلاف بین تنظیم ها در مزار شریف، قونسل ایران همه رهبران محلی (به شمول جنرال دوستم و استاد عطا) را احضار میکرد و میان شان میانجیگری می نمود. سپاه قدس ایران یکی از منابع تمویل و تسلیح جمعیت اسلامی و حزب وحدت در جنگ های داخلی و دوره به اصطلاح مقاومت بود.

ارادت خاص عبدالله عبدالله به قاسم سلیمانی و ایران از همان دوره منشأ می گیرد. اما به صراحت باید گفت که شخص قاسم سلیمانی در زمان جهاد علیه شوروی سابق هنوز (حد اقل تا ۱۳۶۷) مصروف جنگ ایران عراق بوده و در سطحی نبوده که جهاد افغانستان یا اشخاصی چون اسمعیل و عبدالله را کمک کند. امکان دارد اسماعیل خان فرار خویش از زندان طالبان در قندهار (سال ۱۳۷۹) را مدیون قاسم سلیمانی باشد.

قاسم سلیمانی توانست طی ۲۲ سالی که در رأس سپاه قدس قرار داشت یک شبکه وسیع از گروه های ملیشه غیر دولتی عمدتاً شیعه مذهب را در شرق میانه، جنوب آسیا و برخی کشور های افریقائی ایجاد کند و آنرا تحت رهبری سپاه قدس که مستقیماً تحت قوماندۀ رهبر انقلاب ایران می باشد قرار دهد.

این شبکه را امام جمعه تهران در خطبه نماز جمعه بعد از مرگ سلیمانی "حلقه زرین" (خبرگزاری تسنیم) خواند. به پاس این خدمت قاسم سلیمانی از آیت الله خامنه ای بزرگترین مدال دولتی ایران یعنی مدال نوالفقار را دریافت نمود. وی تنها ایرانی ایست که از انقلاب اسلامی بدینسو به گرفتن این مدال موفق شده است. لوا های ملیشه مذهبی متعلق به شبکه مذکور عبارتند از: در لبنان حزب الله، در فلسطین حماس، در یمن انصار الله (حوثی ها)، در عراق کتائب الشعبی، سراپا الاسلام (قبلاً جیش مهدی)، سراپا الخراسانی، سپاه بدر و چندین لوائ دیگر که در عراق و سوریه برای سپاه قدس فعال اند، در سوریه حزب الله (تعلیم و

تشکیل شده توسط حزب الله لبنان)، از افغان های شیعه مهاجر در ایران، جوانان شیعه مقیم کابل و مقیم سوریه لوای فاطمیون، از پاکستانی های مقیم ایران لوای زینبیون (تربیه شده توسط حزب الله لبنان در عراق) و سرانجام شبکه های مخفی در عربستان سعودی و بحرین.

قرار معلوم سپاه قدس در بوسنیا و کوسوو هم فعال است و نمایندگان قدس که با پوشش دیپلمات در سفارت های ایران مقیم دول اروپائی و استرالیا کار می کنند، به سرباز گیری و اجنت گیری با تبلیغات فریبنده مذهبی از میان پناهندگان مسلمانان مقیم این کشور ها می پردازند.

در پاکستان آی. اس. آی. دولتی در میان دولت و قدرتمند تر از دولت است. اما سپاه پاسداران در ایران بدون آنکه جزء تشکیلات دولتی باشد، موقفی بلند تر و برجسته تر از قوای مسلح دولتی دارد. سپاه قدس تعیین کننده سیاست خارجی ایران در شرق میانه است.

گفته می شود که سلیمانی سال ها قبل از مرگش از طریق جلال طالبانی پیام ذیل را به جنرال دیوید پتروئوس رئیس سازمان سپاه فرستاد:

" پتروئوس عزیز، شما باید بدانید که من سیاست خارجی ایران در رابطه با عراق، لبنان، غزه و افغانستان را کنترل می کنم. در واقع سفیری که در بغداد است عضو سپاه قدس می باشد."

برخی روزنامه های غربی هم سلیمانی را پُر قدرت ترین مامور مخفی در شرق میانه نامیدند و دوستانش به او لقب پادشاه خاور میانه را داده بودند. وی با وصف آنکه استعداد انکار ناپذیر در مسایل نظامی و استخباراتی و اختیارات نامحدود مالی و تسلیحاتی از جانب خامنه ای داشت به دیگران احترام می گذاشت و می توانست مخاطبین مذهبی اش را مجنوب خود سازد.

با داشتن چنین صفات وی توانست با استفاده از خلاقیت و بی نظمی که اشغال امریکا در عراق ایجاد کرده است، از میان شعییان رادیکال عراق بیش از ۱۱ لوای ملیشه نظامی - استخباراتی تحت قوماندۀ سپاه قدس ایران ایجاد کند.

قرار ایدئولوژی رسمی آخوند هابی که دولت ایران را رهبری می کنند، توسعه نفوذ ایران در شرق میانه و جنوب آسیا از طریق سپاه قدس گام هائی اند در جهت تشکیل حکومت جهانی مهدی که در کتاب های مذهبی از آن نام برده شده است. بدین شیوه آخوند ها صدور انقلاب و مداخلات استخباراتی شان به سایر کشور های اسلامی را توجیه مذهبی می کنند.

اما این تبلیغات صرف برای گروه ها و عناصر عمیقاً مذهبی طرفدار ایران قابل پذیرش است. قبل از تحریم سپاه قدس در آگست ۲۰۱۲، امریکائی ها یا متوجه حرکت بی سر و صدا اما با نقشه و پشت کار توسط جنرال سلیمانی و زیر دستانش نبودند یا آنرا جدی نمی گرفتند. داعش که هسته آن در سوریه و به پشتیبانی حافظ الاسد برای مبارزه با امریکا ایجاد شده بود، توانست در عراق همین نوع حرکت بسیج کننده بی سر و صدا را در میان سنی های عراق که تبعیض دولتی بخشی از آنها را عقده مند ساخته بود، سازمان داده و سر انجام با پشتیبانی تسلیحاتی و مالی حلقات وهابی و سلفی کشور های عربی دست به اشغال ساحات وسیعی از عراق زد.

امریکائی ها متوجه سنی بودن مناطق تحت اشغال داعش بودند و حکومت عراق را به برداشتن گام های سنجیده دعوت می کردند. سقوط بدون مقاومت قطعات امنیتی و نظامی دولتی عراق زیر ضربات داعش اعتماد به نفس را در دولت عراق از بین برد.

در همان وقت دست غرض آلود ایران برای کمک در جنگ با داعش به سوی دولت عراق دراز شد و عراق آنرا با صمیمیت فشرده. دخول سلیمانی و لوای یازده گانه اش در جنگ با داعش مؤثر بود. اما مردم مناطق سنی مذهب در مقابل مداخله نظامی

ایران حساسیت و مخالفت نشان می دادند. هرگاه ماشین جنگی عظیم امریکا در پشتیبانی از عساکر کُردستان عراق در جنگ با داعش داخل نمی شد، این جنگ می توانست فاجعه جنگ طولانی شیعه و سنی را در عراق بدنبال داشته باشد.

تخریب کامل شهر های تحت تسلط داعش توسط طیارات امریکائی و راکت های ایرانی ضایعه بزرگ برای سنی مذهبیان عراق است اما همین جنگ ها در مدت کم به نابودی دولت اسلامی داعش در عراق منجر گردید. CIA با درسگیری از مشاهدات و تجاربش در عراق، سوریه و یمن متوجه مبدل شدن سپاه قدس به یک نیروئی که در درازمدت میتواند قادر به خطر انداختن منافع ایالات متحده در شرق میانه شود، گردید. سلیمانی از همان هنگام در لیست ترور CIA قرار داشت و سرانجام به تاریخ ۳ جنوری ۲۰۲۰ هنگام ورود به شهر بغداد همراه با مهدی المهندس قوماندان عمومی لواهای سپاه قدس در عراق مورد ضربه یک طیاره بی پیلوت امریکائی قرار گرفت و جان داد.

مرگ سلیمانی برای آیت الله خامنه ای که وی را همچون پسر خود دوست داشت و توسعه نفوذ ایران در منطقه را مدیون جد و جهد او بود، سخت تکان داد. نخست خامنه ای و سپس سایر مقامات دولتی و مذهبی ایران تعهد کردند که انتقام شدیدی از امریکائی ها بگیرند.

فیصله وکلای شیعه مذهب پارلمان عراق برای خروج نظامیان امریکائی و ناتو از عراق خامنه ای را چنان به وجد آورد که شعار " امریکائی ها از منطقه بیرون شوید" را به سر زبان ها انداخت و به همین سلسله قوماندان سپاه از رهبران افغانستان خواست تا از مثال عراق پیروی کنند و الی ...

قابل پیش بینی بود که کار زیادی از دست ایران ساخته نیست اما با آنهم هوا خواهان رژیم ایران منتظر این انتقام بودند. سر انجام به تاریخ ۸ جنوری ۲۰۲۰ از طرف شب ۲۷ راکت به پایگاه عین الاسد امریکا فیر شد. قسمتی از این راکت ها به پایگاه مذکور اثابت کرد اما هیچ تلفات جانی بار نیلورد زیرا بخش اعظم پرسونل پایگاه برای حفظ ماتقدم به محل دیگری منتقل شده بودند. این نوع "انتقام شدید" آبرو ریزی بزرگی برای آخوند های حاکم در ایران بود. پس از حمله انتقام جویانه مذکور، با وصف آنکه دونالد ترمپ اظهار داشت که این حمله را با تعزیرات بیشتر بر ایران جواب میدهد، آخوند ها منتظر حمله تلافی جویانه امریکا اند. ترس از حمله طیارات بی پیلوت امریکائی ایرانی ها را به گفته خود شان چنان "کلافه" کرده بود که در رادار خویش طیاره مسافربری اوکرائینی را راکت سکاد دیدند و با فیر کردن بالای آن اقتضاح بشری و سیاسی دیگری را برای خود بیار آوردند. دولت ایران در هفته اول خواست این حادثه را ناشی از نقص تخنیکی طیاره وانمود سازد اما صدر اعظم کانادا با اتکاء بر اسناد تهیه شده توسط ایالات متحده قوماندان سپاه را وادار به اعتراف به فیر راکت توسط زیر دستانش بالای طیاره نمود. این دروغگویی آخوند ها تظاهرات و سیع و دوامدار محصلین ایرانی با شعار " مرگ بر رهبر" را بدنبال داشت که ثابت ساخت همه مردم ایران وفادار به رهبر و رژیم نیستند.

تا سال ۲۰۰۱ سپاه قدس با طالبان روابط خوبی نداشت و نیروهای ائتلاف شمال را کمک میکرد. بروز حوادث یازدهم سپتامبر و آغاز لشکرکشی امریکا به افغانستان، جمهوری اسلامی ایران را وادار به همکاری عملی با قوای امریکا و انگلیس در از بین بردن طالبان و القاعده ساخت. گفته می شود که مدیریت این همکاری را خود قاسم سلیمانی به عهده داشت. اما پس از سقوط طالبان و طولانی شدن حضور نیروهای نظامی ناتو در افغانستان، جمهوری اسلامی ستراتیژی دوگانه در قبال افغانستان را اتخاذ نمود.

همزمان با کار متداوم برای توسعه نفوذ فرهنگی و وعده کمک به بازسازی افغانستان، مراکز تمرینات نظامی برای طالبان در برخی نقاط ایران ایجاد شده و سپاه قدس میزبان بخشی از طالبان در کشور خود شد. گفته میشود مشاوران سپاه قدس به صورت مستقیم در جبهات طالبان در غرب افغانستان حضور داشتند و حتی تعدادی از آنان توسط دولت افغانستان دستگیر هم شدند که

بنا به مصلحت های غیر قابل فهم رها گردیدند. مقامات محلی اسلحه ایرانی را در غزنی، هلمند و نیمروز از طالبان بدست آورده و به رسانه ها نشان داده اند. اما دولت مرکزی چشم خود را در برابر این واقعیت ها تا حال بسته اند.

حمایت سپاه از گروه های سیاسی - نظامی و مهره های مشخص در افغانستان، بر هیچکس پوشیده نیست. وقتی در سال ۲۰۱۸ حاجی محمد محقق به حیث معاون رئیس اجرائیه به ایران رفت، موقف رسمی خود را فراموش نموده و در قالب اصلی خویش افتاده دست خامنه ای را بوسید، از افغان هائی که در لوای فاطمیون برای منافع ایران می جنگند تقدیر نمود و جنرال قاسم سلیمانی را سپهسالار اسلام خواند. حامد کرزی هم به اعتراف خودش خریطه های پول مخفی را از ایران (سپاه قدس) دریافت می کرد. آدم های دیگری از این ردیف هم در افغانستان موجود اند. اما کار سپاه قدس به اینجا ختم نمی شود. سپاه قدس به تعدادی از رسانه ها، نهادهای مدنی و احزاب سیاسی نیز کمک رسانده و آن ها را تحت کنترل خود دارد. تعدادی از مؤسسات خیریه افغانستان به صورت مستقیم از سپاه کمک می گیرند. در ضمن نهادهای رسمی غیر دیپلماتیک رژیم ایران که در افغانستان فعالیت دارند تحت کنترل سپاه هستند. یکی از این نهاد ها فرهنگستان ایران است که مصارف اکادمی علوم افغانستان را می پردازد. بی جهت نیست که این اکادمی و وزارت اطلاعات و کلتور دست های خود را در برابر مداخلات و جعلیات فرهنگی ایران در افغانستان بالا گرفته اند. ترویج لهجه و شیوه تلفظ ایرانی توسط تلویزیون های خصوصی که از سپاه قدس سببیدی میگیرند بخشی از هجوم فرهنگی ایران بر کشور ما است که هدفی جز گسستن رابطه نسل جدید افغانستان از فرهنگ اصیل ما و زبان غنی دری ندارد. سپاه این ابزار قدرتمند را که سال ها رشد داده، در آنچه (انتقام ایران از آمریکا) نامیده میشود به کار خواهد بست. البته ایران از حمله ناکام عین الاسد آموخته است و بعید به نظر میرسد که ایران بر پایگاه های امریکا در افغانستان حمله کند. آنچه ایران میتواند انجام دهد تشدید آتش جنگ از طریق کمک بیشتر به طالبان است. اطمینان های لفظی دولت افغانستان مبنی بر عدم حمله از خاک این کشور علیه هیچ کشور دیگری جلو اقدامات احتمالی ایران را نخواهد گرفت.

اما کشته شدن سلیمانی و المهندس ضربه بزرگی بر پیکر سپاه قدس بود. اسماعیل قآنی جانشین سلیمانی از تجربه کافی استخباراتی برخوردار است اما نه آن استعداد نظامی - استخباراتی را دارد و نه آن خصوصیت کریسماتیک را که سلیمانی داشت. در واقع موفقیت های سپاه قدس قسماً وابسته به شخص سلیمانی بود. با کشته شدن المهندس هم سپاه قدس مطمئن ترین متحد خود را در عراق از دست داد. علاوه المهندس شخصی بود که توانسته بود همه لواهای عراقی سپاه پاسداران را تحت قومانده خود متحد سازد. تردید وجود دارد که در غیاب المهندس اتحاد تشکیلاتی بین واحد های یازده گانه سپاه پاسداران در عراق دوام یابد.

عنصر جدیدی که آینده سپاه قدس را مورد سؤال قرار میدهد، بیداری و آگاهی جوانان اعتراض کننده در عراق و لبنان است. جوانان عراقی واضحاً از مداخلات ایران (سپاه قدس) و کجروی های سفارت امریکا به تنگ آمده اند. با آتش زدن قونسلگری ایران در کربلا جوانان شیعه عراقی در برابر سپاه قدس ایران اعلام موضع کردند. این جوانان شاهد آنند که حکومت، پارلمان و احزاب سیاسی شان توسط سپاه قدس اداره می شوند. ایشان خواستار کنار رفتن اعضای پارلمان کنونی، اصلاح قانون انتخابات و بازکردن راه برای کاندید های مستقل و جوان، تشکیل یک پارلمان ملی و مستقل و حکومت غیر وابسته به ایران و امریکا می باشند. در لبنان هم لبه تیز اعتراضات مدنی جوانان متوجه حزب الله (دست راست سپاه قدس) است. این حزب با حفظ سلاح هایش جامعه شیعه لبنان را به گروگان گرفته، مانع ایجاد شرایط همسان برای سهم گیری همه اقشار و گروه های سیاسی، قومی و مذهبی در زندگی سیاسی آن کشور گردیده و با تهدید سلاح حکومت های فاسد و دست نشانده خویش را بر مردم لبنان تحمیل میکند. اعتراضیون در لبنان خواستار انتخابات و دیموکراسی واقعی و ایجاد یک دولت نورمال در لبنان اند. آنها با اشتراک حزب الله در جنگهای سوریه، عراق و یمن مخالف اند و این ماجراجوئی های حزب الله را خطری برای کشور خویش میدانند.

حسن نصرالله چند سال قبل توانست از سنی ها و مسیحی های لبنان با نمایش قدرت امتیاز موقعیت خاص (هم جزء دولت و هم تا دندان مسلح) را برای حزب خود بگیرد. اما زورش به نسل جوان لبنان نخواهد رسید. آنگاه مجبور خواهد بود به قم ایران پناهنده شود تا به خدماتش برای سپاه قدس ادامه داده بتواند.

پول نفت ایران مهمترین وسیله برای توسعه نفوذ سپاه قدس در منطقه است. با تحریم های اقتصادی شدیدی که بر فروش نفت ایران از سپتامبر ۲۰۱۸ بدینسو اعمال شد، فروشات نفت ایران به خارج از کشور تقریباً به صفر تقرب کرده است. اکنون ایران با استفاده از ذخایر ارزی ستراتیژیک اش اجناس وارداتی اشد ضرورت و معاشات مامورینش را می پردازد. بدترین سناریو برای خامنه ای و دم و دستگاه اش از جمله سپاه قدس، انتخاب مجدد دونالد ترامپ در پست ریاست جمهوری امریکا است. ادامه تحریم های کنونی برای چند سال دیگر کمر اقتصاد جمهوری اسلامی ایران را می شکند. هرگاه خامنه ای و سایر آخوند ها برای جلوگیری از سقوط رژیم در برابر امریکا عقب نشینی کنند و حاضر به تعویض برجام با قرارداد دیگر و رعایت خواست های امریکا در آن شوند، باید با پروژه حکومت جهانی مهدی که جاه طلبی های نظامی شرط حفظ آن است نیز خدا حافظی کنند. در آنصورت فعالیت سپاه قدس نیز شکل محدود و زیر زمینی را بخود میگیرد. به هر صورت، با افول ستاره زندگی قاسم سلیمانی، ستاره اقبال سپاه قدس هم بتدریج کم نور میگردد. اما در صورت دوام جمهوری اسلامی ایران، سپاه قدس تا چند دهه دیگر برای افغانستان و عراق یک منبع خطر جدی خواهد بود.

(ختم)

سپاه قدس ایران بعد از مرگ قاسم سلیمانی